

مطالعات علوم اسلامی انسانی

مقاله پژوهشی، سال نهم، شماره ۳۶، زمستان ۱۴۰۲ (ص ۱ - ۹)
دریافت: مهر ماه ۱۴۰۲ پذیرش: آذر ماه ۱۴۰۲

تفسیر و هرمنوتیک (با نگاهی به آراء آیت الله معرفت)

Exegesis and Hermeneutic (with a look at Ayatollah Maarefat's viewpoints)

ابوالفضل سعادت/ استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار.

Abolfazl Saadati/ Assistant Professor, Department of Islam's Teaching, Sabzevar University of Medical sciences, Iran.

abolfazl1971@gmail.com

Abstract

Qur'an exegesis as one of the Islamic sciences has always been the concern of Muslim scholars. The principles and foundations of Qur'an exegesis - more or less in sciences such as the principles of jurisprudence, linguistic sciences, the Qur'anic sciences, logic and parts of the Kalaam - have been of interest to Islamic thinkers but as an independent subject has become more important in the recent period. The method of interpreting texts with the title of hermeneutics has been discussed in Western thought too, and in the West, it has undergone transformations that can be explained in three areas of specific hermeneutics, general hermeneutics and philosophical hermeneutics.

This article tries to define exegesis in the viewpoint of Ayatollah Maarefat and it investigate the relationship between it and three domains of hermeneutics.

Keyword: Qur'an; exegesis; interpretation; hermeneutics.

چکیده

تفسیر به عنوان یکی از علوم اسلامی، مورد اهتمام دانشمندان مسلمان بوده است. اصول و مبانی تفسیر کمابیش، در علوم نظیر: اصول فقه، علوم قرآنی و بخش‌هایی از کلام مورد توجه اندیشمندان اسلامی بوده است، اما به عنوان یک موضوع مستقل در دوره اخیر اهمیت بیشتری یافته است.

روش تفسیر متون، با عنوان هرمنوتیک، در اندیشه غرب نیز مطرح بوده است و در مغرب زمین تطورات خاصی را پیموده است که می‌توان آن را در سه حوزه هرمنوتیک خاص، عام و فلسفی تبیین نمود. این مقاله تلاش دارد با مشخص کردن معنای تفسیر در دیدگاه آیت الله معرفت (رحمت‌الله‌علیه)، رابطه تفسیر با سه حوزه اصلی هرمنوتیکی را با نگاهی به نظرات ایشان بررسی کند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، تفسیر، تاویل، هرمنوتیک.

مقدمه

هرمنوتیک به عنوان یکی از دانش‌های نوین‌پدید علوم قرآنی، رابطه تنگاتنگی با تفسیر و مبانی آن دارد. برخی گرایش‌های هرمنوتیکی در تقابل آشکار با تفسیر سنتی بوده و آن را به چالش می‌کشند و از سوی دیگر، برخی گرایش‌های هرمنوتیکی در تفسیر بهتر و روش‌شناسی آن، کمک برای اندیشمندان حوزه علوم قرآن به شمار می‌روند. از این‌رو بررسی گرایش‌های هرمنوتیکی و مقایسه آن با مبانی تفسیر سنتی، امری شایسته است. در این مقاله، پس از تعریف هرمنوتیک و تبیین لغوی و اصطلاحی آن به عمده‌ترین گرایش‌های هرمنوتیکی، یعنی هرمنوتیک خاص، هرمنوتیک روش‌شناسانه (عام) و هرمنوتیک فلسفی پرداخته خواهد شد و در ضمن هر کدام از این قسمت‌ها، دیدگاه آیت الله معرفت نیز، بیان خواهد شد.^۱ گرچه یادکرد این نکته نیز شایسته است که هر چند بحث هرمنوتیک از مباحثی است که در سال‌های اخیر تا حدودی به آن پرداخته شده ولی منابع چندانی ندارد، افزون بر آن که برخی منابع ترجمه شده فارسی نیز بسیار غامض و یا ترجمه‌ای نارساست. از این رو این بحث، در آثار آیت الله معرفت - بنابر تتبع ناقصی که نگارنده داشته - نیز بسیار موجز و خلاصه بیان شده است و در کتب مشهور ایشان، عنوان هرمنوتیک کمتر به چشم می‌خورد، اگرچه مباحثی مانند محکم و متشابه یا نظایر آن، در تبیین دیدگاه ایشان موثر است و نگارنده نیز از همین منابع، مطالب را استخراج و مقاله را بر اساس آن سامان داده است.

واکاوی‌های معناشناسانه

پرداختن به معنایی واژگان یک نگاره، امری است که هم موضوع بحث را روشن می‌کند و هم از خلط مفاهیم اصطلاحی و لغوی جلوگیری می‌نماید. علاوه بر آن اصطلاحات گوناگون روشن می‌شود. از این رو ضروری به نظر می‌رسد در آغاز، واژگان هرمنوتیک، تفسیر و تاویل و دیدگاه آیت الله معرفت نسبت به آنها روشن شود تا در ضمن آن بتوان رابطه بین این اصطلاحات را نیز تبیین نمود.

۱- نگاهی به مفهوم لغوی و اصطلاحی هرمنوتیک

واژه هرمنوتیک^۲ در اصل یونانی است که از مصدر «Hermeneuein» اخذ شده است [۱] که عموماً به «بیان کردن، توضیح دادن، ترجمه کردن، و تاویل کردن» ترجمه می‌شود.

تفسیر کردن در زبان انگلیسی با کلمات دیگری نیز بیان می‌شود. Exegesis و Interpretation از لغاتی هستند که در برگرداندن فارسی [۲] به تفسیر کردن ترجمه می‌شوند و واژه Exegesis به صورت لغتی که به صورت رسمی^۳ استعمال می‌شود، به معنی تفسیر کردن است. [۳] در بعضی فرهنگ اصطلاحات، بیان شده که Interpretation هم به معنای تفسیر و هم به معنای تاویل آمده است، البته با توجه به کاربردهای این واژه، ترجمه تاویل نیز در پاره‌ای موارد درست به نظر می‌رسد، به عنوان مثال تعبیر خواب یا تعبیر الرؤیا با Interpretation of dreams و Interpretation of visions بیان می‌شود که در اصطلاح قرآنی نیز این عبارت با «تاویل» سازگار است [۴] لیکن برخی بنا بر مبنای خود، برگردان تفسیر را برای Interpretation ترجیح داده [۵] و آن واژه را به تفسیر کردن ترجمه کرده‌اند^۴ که درست هم به نظر می‌رسد، یعنی معادل درست این واژه، همان تفسیر است و تاویل در عرف کنونی مباحث تفسیری، معنایی اصطلاحی است که با این واژه تناسب ندارد، مگر در مواردی که شاهدهی بر اراده معنای «تاویل» از سوی نویسنده موجود باشد.

البته در یک صورت می‌توان معنای تاویل را نیز برای این لغت در نظر گرفت که در حقیقت جعل اصطلاح است و معنای تاویل در عرف رایج فارسی به شمار نمی‌رود، ولی اگر مترجم در ابتدا تبیین خود را از واژه تاویل بیان دارد، آن گاه مشکلی به وجود نخواهد

^۱ البته بررسی دقیق آراء آیت الله معرفت و بیان دیدگاه‌های ایشان، مستلزم احاطه و اشراف به کتب و آثار ایشان است و مجال وسیع می‌طلبد که در اینجا نمی‌توان به آن پرداخت، لیکن در این مقاله سعی شده، در حد وسع، آثار ایشان مورد بررسی قرار گرفته و مواردی که ایشان در مورد هرمنوتیک بحث کرده‌اند، گردآوری شود تا در ضمن آن، دیدگاه ایشان روشن گردد.

^۲ Hermeneutics

^۳ formal

^۴ متأسفانه در ترجمه‌های فارسی دیده می‌شود که بین ترجمه «تاویل» با «تفسیر» فرقی نگذاشته و بعضاً این دو را به جای همدیگر به کار می‌برند، حال آنکه در اصطلاح کنونی علوم قرآنی و مباحث تفسیری، «تاویل» با «تفسیر» متفاوت بوده و هر کدام معنای خاص خود را دارد. از همین جهت در این نوشتار، گاهی عبارت «تاویل» به تفسیر برگردانده شده و حال آن که در منبع ترجمه شده فارسی عبارت «تاویل» آمده است ولی نگارنده با توجه به سیاق متن ترجمه شده، سعی نموده واژه متناسب را بیاورد.

آمد، چرا که همان طور که گفته شد این واژه هم در معنای تفسیر و هم تاویل به کار برده می‌شود و مترجم باید با توجه به سیاق، معادل آن را در ترجمه بیاورد.

در دائرة المعارف لیدن، در ذیل مدخل... Exegesis of the Quran تفسیر قرآن به گونه‌ای توضیح داده شده که گویی تفسیر و تاویل تفاوت چندانی ندارد، از این رو هر دو تحت عنوان عام «Quranic Exegesis» قرار گرفته و چنین نگاشته شده است: [۶]

«Quranic exegesis (tafsir, tawil) is one of the most important branches of the quranic sciences (ulum al- Quran...) but is only one part of the wider Islamic hermeneutics...»

و همان طور که مشاهده می‌شود انواع تفاسیر را داخل در حوزه هرمنوتیک به معنای عام دانسته است،^۵ بنابراین در ترجمه متون باید در برابر واژه‌هایی که هم به تفسیر و هم به تاویل قابل برگردان هستند توجه نموده و با توجه به شواهد و قرائن و از جمله سیاق متن، معنای مورد نظر را در ترجمه قرار داد.

حال با توجه به این نکته باید گفت که معنای لغوی هرمنوتیک، با کمی تسامح همان تفسیر است ولی ترجمه آن به تاویل، خاص مترجم است که در عرف علوم قرآن مصطلح نیست، اگر چه با معنایی برخی صاحب نظران علوم قرآن در مورد تاویل همخوان است.^۶ [۷] لیکن بهتر است این واژه، به تفسیر ترجمه شود تا اشتباهی در مفهوم‌شناسی آن به وجود نیاید.

تعریف هرمنوتیک در اصطلاح نیز به گونه‌ای که تمامی گرایش‌های هرمنوتیکی را در بر گیرد امری ناشدنی است. و نمی‌توان به یک تعریف جامع در این زمینه دست یافت، چرا که گرایش‌های متنوع هرمنوتیکی امکان تعریف جامع را سلب می‌نماید.^۷ [۸] اما اگر از ارائه تعریف دقیق صرف نظر کنیم، برای تبیین اجمالی هرمنوتیک با مقداری تسامح می‌توان گفت: هرمنوتیک نظریه عمل فهم است در جریان روابطش با تفسیر متون (البته این تعریف نیز از ریکور اخذ شده است). پالمر نیز به همین هدف، هرمنوتیک را چنین تعریف می‌کند: «هرمنوتیک، امروز عرضه‌کننده سنت تامل فلسفی آلمان و اخیراً فرانسه در باب ماهیت فهم^۸ است که از طریق شلایر ماخر و دیلتای و هایدگر گسترش یافته است و امروزه گادامر و ریکور به ارائه آن می‌پردازند.» [۹]

دیدگاه آیت الله معرفت درباره هرمنوتیک

دیدگاه آیت الله معرفت نیز نشانگر آن است که ایشان سعی کرده‌اند تعریفی از هرمنوتیک ارائه دهند تا مخاطب آشنایی لازم را با این علم و گرایش‌های گوناگون آن به دست آورد. ایشان عنوان «هرمنوتیک» را عبارت از مجموعه‌ای از قواعد و معیارهایی می‌دانند که لازم است مفسر برای فهم نص دینی از آنها پیروی کند. لذا در ذیل عنوان «الهرمنیوطیقا و معضله فهم النص» می‌فرمایند: «عنوان اطلقه اصحاب الدراسات اللاهوتیة، تعبیرا عن مجموعه القواعد و المعاییر التي يجب ان يتبعها المفسر لفهم النص الدینی، لیکون مضبوطا و قائما علی اساس حکیمه، دون التبعض و التشتت فی الآراء و الافهام، و اکثرها اعتبارا او تحکیم للرای علی النص» [۱۰] سپس از گسترده شدن این علم و تنوع آراء آن سخن رانده و می‌فرماید:

«و قد اتسع مفهوم هذا المصطلح فی تطبیقاته الحدیثه، و انتقل من مجال علم اللاهوت الی دوائر اکثر اتساعا، لتشمل كافة العلوم الانسانیة، کالتاریخ و علم الاجتماع و الانثروبولوجی و فلسفه الجمال و النقد الادبی و الفولکلور» [۱۱]

بنابراین این مفهوم در تطبیقات جدیدش به گونه‌ای گسترش یافته که شامل کلیه علوم انسانی مانند: تاریخ، جامعه‌شناسی، فلسفه هنر، نقد ادبی و... نیز می‌شود لیکن آیت الله معرفت معتقدند با این اتساع مفهومی، امعان نظر و بحث در همه این شاخه‌ها سخت می‌نماید، از همین جهت ایشان تنها با محوریت تفسیر نصوص ادبی-دینی به شاخه‌های عمومی این علم می‌پردازند. [۱۲] در این مقاله نیز تنها گرایش‌های اصلی هرمنوتیک، با نگاهی به آراء آیت الله معرفت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

^۵ ibid

^۶ چنانکه آیت الله معرفت واژه «تاویل» را در عربی برای «هرمنوتیک» در نظر گرفته‌اند، در عین حال باید توجه داشت که این ترجمه از آن جهت است که ایشان تاویل را همان فهم عمیق می‌دانند که با هرمنوتیک روش‌شناسانه نیز همخوان است.

^۷ آیت الله معرفت نیز به این نکته پرداخته‌اند که گستره وسیع اصطلاح هرمنوتیک باعث می‌شود که ما، تنها به محورهای اصلی آن اکتفا کرده و عمده بحث را در حول تفسیر نصوص ادبی و دینی قرار دهیم.

^۸ Understanding

زمینه ها یا گرایش های هرمنوتیکی

به نظر پالمردر یک تقسیم بندی کلی در مورد گرایش های هرمنوتیکی، از جهت متعلق فهم، سه گرایش قابل بررسی است:

۱. گرایش هرمنوتیکی خاص

هرمنوتیک خاص یا منطقه ای به این معناست که به منظور منقح کردن کیفیت متون در علوم مختلف اعم از حقوق، ادبیات، کتب

مقدس و فلسفه، مجموعه قواعد و اصولی فراهم شود و هر علم هرمنوتیک ویژه خود را دارا شود. [۱۳]

به نظر می رسد این گرایش هرمنوتیکی با عنوان «هرمنوتیک کلاسیک» نیز نامبردار است، چرا که هرمنوتیک کلاسیک به دنبال

ارائه روش و منطق تفسیر متون به طور خاص است،^۹ [۱۴] چرا که نهضت اصلاح مذهبی قرن شانزدهم و رواج اندیشه پروتستانتیسیم،

ارتباط مسیحیان پروتستان را با کلیسای رم قطع کرده و آنان را به طور مبرمی نیازمند تنظیم و تنقیح قواعد و شیوه تفسیر کتاب

مقدس نمود. این نیازمندی مایه به وجود آمدن رشته ای از دانش به نام هرمنوتیک گردید که وظیفه ارائه روش و منطق تفسیر کتاب

مقدس را به عهده گرفت. اولین کتاب ثبت شده تحت عنوان «هرمنوتیک» کتاب دان هاور است^{۱۰} که در سال ۱۶۵۴ میلادی به

چاپ رسید. در این کتاب هرمنوتیک به منزله قواعد و روش های لازم برای تفسیر کتاب مقدس به کار رفت.

هرمنوتیک کلاسیک در عصر روشنگری شکل گرفت و عصر روشنگری بر این نکته تاکید داشت که فهم حقیقت در همه زمینه ها

برای انسان ممکن و مقدور است مشروط بر این که به منطق و روش متناسب با آن زمینه دست پیدا کند. فهمیدن، امری عادی و

طبیعی است، فقط باید مانع بر سر راه وصول به آن را برطرف کرد.

در مساله فهم متون، مانع احتمالی، ابهاماتی است که در بعضی متون بر عمل فهم عارض می شود. رفع ابهامات متن در سایه دستیابی

به اصول و قواعد خاصی که روش صحیح فهم متن را ترسیم می کنند، میسر می گردد. بر اساس این تلقی، هرمنوتیک دانشی است

که روش فهم صحیح متن و منطق رفع ابهامات متن را در اختیار می نهد. بنابراین کار هرمنوتیک زمانی آغاز می شود که فهم متن

دچار مشکل شود و جریان عادی و طبیعی فهمیدن به سبب عروض پاره ای ابهامات متوقف گردد.

هرمنوتیک خاص و دیدگاه آیت الله معرفت

نگاه کلاسیک ها به هرمنوتیک، تناسب کاملی با معنای سنتی تفسیر دارد. در معنای سنتی از تفسیر نیز، کار مفسر پرده برداری از مراد

و مقصود مولف و شرح و تبیین ابهامات متن است [۱۵]، چنانکه آیت الله معرفت دیدگاه متعارف در تعریف تفسیر را چنین بیان می

کند: «التفسیر کشف القناع عن اللفظ المشکل»^{۱۱} [۱۶] تفسیر، برگرفتن نقاب از چهره الفاظ مشکل است. [۱۷] بنابراین تفسیر در

اصطلاح مفسران عبارت است از زدودن ابهام از لفظ مشکل و دشوار، که در انتقال معنای مورد نظر، نارسا و دچار اشکال شده است.

[۱۸] از این رو ایشان در مورد کاربرد تفسیر می فرمایند:

تفسیر در جایی است که گونه ای ابهام در لفظ وجود دارد که موجب ابهام در معنا و دلالت کلام می شود و برای زدودن ابهام و

نارسایی، کوشش فراوانی می طلبد. [۱۹]

شایان ذکر است که در دیدگاه ایشان تاویل نیز معنای خاصی دارد که حوزه آن را از تفسیر جدا کرده و معنای خاص خود را، به گونه

ای متمایز از تفسیر نمایان می سازد.^{۱۲} [۲۰] ایشان درباره تاویل می فرمایند:

التاویل يستعمل بمعنى توجيه المتشابه و هو تفعيل من الأول بمعنى الرجوع، لان المؤول عندما يخرج للمتشابه وجهها معقولا، هو أخذ

بزمam اللفظ ليعطفه الى الجهة التي يحاول التخریج اليها، و من ثم يستعمل في تبرير العمل المتشابه أيضا كما في قصة الخضر عليه

^۹ برخی با بیان تاریخچه هرمنوتیک، سه مرحله از هرمنوتیک را به عنوان یک تقسیم بندی کلی بیان نموده و آن را با «هرمنوتیک کلاسیک، هرمنوتیک

رمانتیک و هرمنوتیک فلسفی» مشخص نموده اند که می توان با اندک تسامحی این دو تقسیم بندی را با هم منطبق دانست.

^{۱۰} I.C.Dannhaver, *Hermetica Sacra Sive Methodus Exponendarum Sacrarum Litterarum*

^{۱۱} این معنای تفسیر، تقریبا قدر مشترک تعاریف تفسیر است چنانکه در تفسیر مجمع البیان نیز در تعریف تفسیر آمده است: التفسیر کشف المراد عن اللفظ المشکل.

^{۱۲} البته در گذشته، تفسیر و تاویل دو لفظ مترادف بوده، چنانکه طبری در تفسیر خود «جامع البیان» آن دو را به یک معنا گرفته و برای تفسیر آیات، از عبارت

«القول فی تاویل الآیه» استفاده می کند که این اصطلاح در نزد متأخران، و از جمله آیت الله معرفت، علامه طباطبایی و... متفاوت گشته است.

السلام، قال لصاحبه «سانبوك بتاويل ما لم تستطع عليه صبرا» ای ساطلک علی السبر المبرر لاعمال اثار شکوک و دعتک الی الاعتراض. اذا فکل لفظ او عمل متشابه - ای مثير للريب - اذا کان له توجيه صحيح فهذا التوجيه تاويله لامحاله. از نظر ایشان، «واژه «تأویل» به معنای توجیه سخن متشابه به کار می‌رود و بر وزن «تفعیل» و از ماده «أول» می‌باشد. «أول» در لغت به معنای رجوع و بازگشت است. دلیل این نام‌گذاری این است که شخص تأویل کننده، هنگامی که برای سخن متشابه معنای معقولی را بیان می‌دارد، در حقیقت مهار لفظ را به دست می‌گیرد و آن را به سوی معنایی که به نظر او درست می‌رسد، ارائه می‌دهد، به همین خاطر در نیکو نشان دادن عملی که شبهه انگیز است نیز واژه تأویل کاربرد دارد از همین رو ایشان داستان حضرت خضر(ع) را با موسی(ع) به عنوان نمونه ای از این واژه شناسی می‌داند. [۲۱] بنابر این از منظر ایشان هر لفظ یا عملی که «متشابه» باشد، وقتی برای آن، توجیه خردپسندی وجود داشته باشد، این توجیه تأویل آن لفظ یا عمل خواهد بود. [۲۲]

ایشان معنای دیگری را نیز برای تأویل ذکر می‌کنند که معنای باطنی آیات کتاب خداست، بدان گونه که هرگاه آیه‌ای به خودی خود ظاهر در معنایی نباشد، ما با دلایل و قراین خارجی به آن دست می‌یابیم. به همین خاطر معنای درونی آیات را باطن قرآن می‌گویند، همان گونه که تفسیر معنای ظاهری اش را ظاهر قرآن گفته‌اند. طبق چنین برداشتی «تفسیر» هر آیه، معنای ظاهری آن است و «تأویل» معنای درونی و باطنی آیه است.

تأویل به معنای اخیر، درباره همه آیات قرآن وجود دارد چنان که در روایت آمده است: «ما فی القرآن آیه الا و لها ظهر و بطن؛ هیچ آیه‌ای در قرآن نیست مگر آن که دارای ظاهر و باطن است.» [۲۳]

از این رو تفاوت تفسیر و تأویل در نگاه ایشان چنین است که هر جا به علت تعقید و پیچیدگی در الفاظ، معنا مبهم و نارسا باشد، تفسیر کاربرد دارد و هر کجا تشابهی در الفاظ باشد، تأویل کارگشاست. به عبارت دیگر، تأویل عبارت است از دفع شک و شبهه از اقوال و افعال متشابه و در موردی به کار می‌رود که ظاهر لفظ یا عمل، شبهه انگیز باشد، به طوری که موجب پوشیدگی حقیقت معنای کلام و غرض اصلی گوینده شده باشد و وظیفه تأویل کننده، برطرف کردن این خفا و نارسایی است، از این رو تأویل، علاوه بر رفع ابهام، همزمان، دفع شبهه نیز می‌نماید. پس هر جا تشابهی در الفاظ باشد، ابهامی در معنا حاصل خواهد شد، لذا در تأویل، رفع ابهام و دفع شبهه، توأم است. [۲۴]

گرایش هرمنوتیکی روش شناسانه (عام)

هرمنوتیک عام از مقوله روش شناسی است و در صدد ارائه روش فهم و تفسیر است با این تفاوت که اختصاص به علم خاصی ندارد. پیش فرض این گرایش آن است که قواعد و اصول عامی بر فهم متن حاکم است - صرف نظر از اینکه آن متن چگونه باشد - عالم هرمنوتیک باید در تنقیح و تنظیم این قواعد عام بکوشد. این گرایش از قرن هجدهم توسط شلایر ماخر آلمانی آغاز شد. [۲۵] وی تفسیر را از مقوله روش شناسی به ارائه اصول و قواعد فهم و تفسیر سوق داده و شالوده هرمنوتیک نوین را پایه گذاری کرده و راه را برای اندیشمندان بعد از خود گشود. آیت الله معرفت، در تبیین هرمنوتیک عام شلایر ماخر چنین می‌فرماید:

و يعود الیه (شلایر ماخر) الفضل فی انه نقل المصطلح من دائرة الاستخدام اللاهوتی، لیکون علما او فنا لعملیة الفهم و شروطها فی تحلیل النصوص. و هكذا تباعد شلایر ماخر بالتاویل به شکل نهائی عن ان تکون فی خدمه علم خاص و وصل بها الی ان تکون علما بذاتها، یؤسس عملیة الفهم و بالتالی عملیة التفسیر.

از همین جهت شلایر ماخر به پدر علم هرمنوتیک ملقب شده است [۲۶] و آیت الله معرفت نیز معتقد است چنین نامی به حق بر وی نهاده شد و او شایسته چنین جایگاهی است. [۲۷]

تبیین هرمنوتیک شلایر ماخر و دیدگاه آیت الله معرفت

شلایر ماخر، تفسیر سنتی را از دایره علم الهیات بیرون برده و آن را به صورت یک علم یا به عبارت بهتر روش فهم و شرایط آن درآورد به گونه ای که اختصاص به علم خاصی نداشت [۲۸]. وی بر این نکته تاکید داشت که بر خلاف نظر کلاسیک‌ها فهمیدن

^{۱۳} چنانکه، یوآخیم واخ متذکر می‌شود که نظریه پردازان هرمنوتیکی اواخر قرن نوزدهم در رشته‌ها و جهت‌های فکری بسیار متفاوت به تفکر هرمنوتیکی شلایر ماخر مدیون بودند، تا بدان حد که مهم‌ترین نظریه پردازان هرمنوتیکی در آلمان قرن نوزدهم نشان تفکر او را بر تفکر خود داشتند.

متن امری طبیعی و سهل نیست بلکه بدفهمی و سوء فهم،^{۱۴} امری عادی و طبیعی است و امکان بدفهمی در تمامی مراحل فهم متن وجود دارد، بنابراین نیاز به تفسیر و در نتیجه نیاز به هرمنوتیک نه در موارد خاص (وجود ابهام) بلکه از همان آغاز عمل فهم، احساس می شود. [۲۹]

آیت الله معرفت نیز با بیان این که هر چه زمان نص با زمان خواننده نص، فاصله بیشتری داشته باشد، فهم پیچیده تر بوده و سوء فهم نمایان تر می شود، این مطلب را بیان می کند و در ادامه به این نکته اشاره می کند که در نتیجه این بدفهمی باید علم و فن خاصی ابداع شود^{۱۵} [۳۰] که ما را از سوء فهم در امان نگهدارد [۳۱] که شلایر ماخر سعی دارد با ابتکار شیوه دستوری و فنی و اصول و قواعدی که وی در روش شناسی فهم بیان می دارد، مانع سوء فهم شود.

بنابراین در هرمنوتیک شلایر ماخر، فهم هر گزاره دو جنبه متمایز دارد. بخش اول آن صرفاً در حد مناسبت آن با زبانی است که خود بخشی از آن است. هر گزاره به این اعتبار، بخشی از نظام زبانی است که میان افراد به کار می رود در همین حال، گزاره را می توان همچون بخشی از زندگی شخصی، درونی و فکری شخصی که آن را بیان می کند نیز دانست. [۳۲]

بنابراین به نظر شلایر ماخر، تفسیر دو شیوه و دو بخش جداگانه دارد که عبارتند از:

۱. شیوه دستوری ۲. شیوه فنی (روانی).

تفسیر دستوری و تفسیر فنی

شیوه دستوری به قلمرو زبان و شیوه فنی به قلمرو اندیشه مرتبط است و این دو شیوه مکمل همدیگر بوده و دوری هرمنوتیکی ترسیم می کنند.

هر کلامی خود را در زبان نشان می دهد و گوینده، اندیشه خود را با آن می نمایاند. از این رو، هر کلامی ارتباطی دو سویه با زبان و اندیشه دارد. لذا برای فهم کلام گوینده باید دو گام برداشت:

۱. سخن او را باید در زمینه زبان دریافت.
۲. سخن او را باید در میان دیگر اندیشه هایش جای داد و فهمید.

مفسر در شیوه دستوری تفسیر، سخن گوینده را در زمینه زبان سخن (متن) قرار می دهد و بررسی می کند و به سخن (متن) به عنوان محصولی از زبان می نگرد. در تفسیر دستوری، به واژگان، ساختار جمله، نوع ادبی جمله، نشانه گذاری ها و مانند آن توجه می شود و از این طریق، فهم جمله از لحاظ دستوری و زبانی حاصل می گردد.

مفسر در شیوه فنی (روانی)، تفسیر سخن (متن) مورد بحث را در زمینه کل اندیشه ها و حیات عقلانی گوینده یا مؤلف قرار می دهد. این امر مستلزم آن است که مفسر در زندگی و افکار گوینده، یا مؤلف و نیز در شرایط اجتماعی و تاریخی زندگی او، تحقیق کند و ارتباط اندیشه ای را که سخن (متن) او در بر دارد، در ارتباط با دیگر اندیشه هایش بیابد. [۳۳]

از منظر شلایر ماخر هدف واقعی هرمنوتیک تفسیر فنی است، زیرا مقصد اصلی تفسیر - جدای از زبان و توجه به معانی عمومی سخن - رسیدن به ذهنیت خاص نویسنده می باشد. [۳۴]

آیت الله معرفت نیز در تبیین هرمنوتیک شلایر ماخر، شناخت فضایی را که مولف در آن می زیسته از مهم ترین قواعد هرمنوتیک ماخر می داند، به گونه ای که بتوان از روزه شناخت شخصیت فکری و فرهنگی مولف، به ذهنیت و اندیشه های او دست یافت و بدین سان، فاصله بین مفسر و مولف را زدود تا رابطه متن و مولف روشن شود. لذا می فرمایند:

و من اهم هذه القواعد هي معرفة الفضاء التي عاشه المؤلف و الذي تجاوبت معه شخصيته الثقافية و الفكرية حتى يمكن النفاذ من خلال هذه الفرجة الى ذهنية المؤلف و الافكار التي كانت تخالجه باله. [۳۵]

در عین حال ایشان معتقدند که این قاعده با عنوان «قرائن الاحوال» در علم اصول بحث می شود و مفسران نیز از آن به عنوان اسباب نزول یاد می کنند که بدون آن، امکان فهم بسیاری از آیات قرآن که با سبب نزول مرتبط است وجود ندارد. [۳۶]

¹⁴ Misunderstanding

¹⁵ ظاهراً ایشان طبق آنچه در پاورقی ذکر کرده اند، بحث حجیت ظواهر را در علم اصول متکفل همین امر می دانند.

گرایش هرمنوتیکی فلسفی و دیدگاه آیت‌الله معرفت

هرمنوتیک فلسفی یعنی تامل فلسفی در پدیده فهم. این نگرش نه تنها علاقه‌ای به ارائه روش برای فهم ندارد بلکه به نقد روش شناسی هم می‌پردازد. هرمنوتیک فلسفی شاخه‌ها و گرایش‌های گوناگونی را پذیراست، در عین حال شاید بتوان وجه مشترک همه گونه‌های هرمنوتیک فلسفی را در فاصله گرفتن از رویکرد روش‌شناسانه به مقوله تفسیر و فهم دانست. [۳۷] هرمنوتیک فلسفی ذهنیت و مراد مولف را نادیده می‌گیرد و هدف تفسیر را فهم مراد مولف نمی‌داند. به عبارت دیگر این گرایش، «مفسر محور» است. در این دیدگاه نص به خودی خود مفهوم ندارد، بلکه این مفسر است که معنای مورد نظر خود را از نص می‌فهمد. این گرایش در نصوص دینی نیز جریان می‌یابد به گونه‌ای که طبق این دیدگاه، اختلاف نظرها در تفسیرهای نصوص دینی را باید از همین جهت جستجو کرد، چرا که هر مفسری بنا بر آنچه بدان معتقد است، نصوص را تفسیر کرده و تفاسیر دیگران را رها می‌سازد. بنابراین نص بسان آینه‌ای است که مفسر، آراء و عقاید خود را در آن دیده و می‌یابد و خود نص، ذاتا فاقد هر گونه مفهومی است. [۳۸] آیت‌الله معرفت پس از نقل این گرایش هرمنوتیکی می‌فرماید:

و علیه، فالالفاظ و العبارات هی بدورها خلو من ای معنی و لکنها جاهزة لاستلھام ما یرد علیها من معانی! و بمثل هذه السفسطة الفاضحة لهج بعض من شغفتمهم فلسفة بنی الاصفیر، زاعمین: ان لیست العباثر البالی هی حبلی لتلد و انما هی غرئی تهفو الی ما یغذیها من معانی لیکون اللفظ فارغا یحتمل ما حملة المفسرون و کان المفسر هو الذی یقوم بایحاء المعانی و شحنها فی النص حسبما ما راقه من اهداف و اغراض. قلت: و لعمر الحق انهم فی سکرتهم یعمهون، کیف یتصورون من لافظ هو ناسج الکلام لا قصد له وراء لفظه و نسجه سوی الادلاء بقوالب لفظیة فارغة لیشحنها ایحاءات مستوردة؟! [۳۹]

لذا از منظر آیت‌الله معرفت این گرایش هرمنوتیکی صحیح نبوده و تصور آن نیز مشکل است که الفاظ از معنا تهی بوده و بنا بر رای مفسر، معنا پیدا نمایند.

جمع‌بندی

با توجه به معنای هرمنوتیک و گرایش‌های عمده آن، دیدگاه آیت‌الله معرفت را می‌توان به طور خلاصه به این صورت جمع بندی نمود.

در گرایش هرمنوتیکی خاص که تناسب کاملی با معنای سنتی تفسیر دارد، کار مفسر، پرده‌برداری از مراد و مقصود مولف و شرح و تبیین ابهامات متن است، چنانکه آیت‌الله معرفت نیز در تعریف تفسیر، «التفسیر کشف القناع عن اللفظ المشکل» را بیان می‌فرماید. بنابراین این گرایش هرمنوتیکی هیچ تعارضی با تفسیر سنتی ندارد و چالشی بین این گرایش و تفسیر نیست.

هرمنوتیک عام یا روش‌شناسانه به رغم آن که شیوه‌ای نو در تفسیر، بنیان نهاده است تعارض چندانی با تفسیر سنتی ندارد، چرا که شلایر ماخر به عنوان بنیان‌گذار این هرمنوتیک، همانند مفسران دیگر قائل است که متن دارای معناست و خواننده در تحمیل معنایی بر متن آزاد نیست و مفسر باید سعی کند به معنای متن برسد. [۴۰] در حقیقت، این گرایش هرمنوتیکی، تفسیر سنتی را به گونه‌ای بهتر عرضه کرده و سعی کرده با ابداع شیوه دستوری و فنی، روش شناسی فهم را قاعده مند کرده و نقاط ضعف تفسیر را رفع نماید. از این رو هرمنوتیک عام یا روش‌شناسانه، تعارضی با تفسیر سنتی نداشته و حتی نقش تکمیلی آن را دارد. [۴۱] اما تعارض گرایش هرمنوتیک فلسفی، با تفسیر روشن است، چرا که علیرغم تعاریف متعددی که از تفسیر - به معنای اصطلاحی - ارائه شده است، تقریبا همه این تعاریف، تلاش مفسر را در راستای کشف معنای مورد نظر مولف دانسته و هدف تفسیر را وصول به مراد مولف دانسته‌اند. این تلقی از تفسیر که نظریه رایج میان مفسران و از جمله آیت‌الله معرفت است با گرایش هرمنوتیک فلسفی ناهمخوان است چنانکه آیت‌الله معرفت نیز - همان طور که در بررسی ایشان از این گرایش ذکر شد - این گرایش هرمنوتیکی را نمی‌پذیرد.

^{۱۶} اگر چه به نظر می‌رسد، آیت‌الله معرفت با توجه به مباحث اصول و اسباب نزول در علوم قرآن، این مباحث را دارای سابقه در مسلمانان دانسته و تلاش علماء اصول را در بحث حجیت ظواهر در همین راستا می‌داند. لیکن به نظر می‌رسد، آنچه شلایر ماخر در خصوص روش شناسی فهم متن بیان می‌کند، با آنچه به عنوان اسباب النزول در علوم قرآن بحث می‌شود یا آنچه که اصولیین در بحث حجیت ظواهر و نیز قرائن حالیه بحث می‌کنند متفاوت باشد. قواعد شلایر ماخر با ارکان: شیوه دستوری، شیوه فنی، دایره شناخت یا دور هرمنوتیک و در نهایت با پیشگویی و مقایسه سامان می‌یابد که جای چنین اموری در علم اصول و علوم قرآن خالی است.

منابع

- [۱] ر.ک: محمد رضا ریخته گران، منطق و مبحث علم هرمنوتیک، نشر کنگره با همکاری سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۷.
- [۲] ر.ک: محمد رضا باطنی، فرهنگ معاصر انگلیسی - فارسی، ویراست دوم، تهران، موسسه فرهنگ معاصر، چاپ هشتم، ۱۳۸۰، ص ۴۵۶ و ۲۹۵
- [3] A.S.Hornby, oxford Advanced Learners Dictionary Of Current English, Edited by Sally Wehmeier, sixth edition, oxford university press, 2000, p: 435
- [۴] ر.ک: محمد تقی اکبری و دیگران، فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی (انگلیسی به فارسی)، ویراسته بهاء الدین خرمشاهی، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۳۴۰
- [۵] مهدی هادوی تهرانی، مبانی کلامی/اجتهاد، قم، موسسه فرهنگی خانه خرد، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۱۲۰.
- [6] Jane Dammen McAuliff, General Editor, *Encyclopaedia of the Quran*, volume two, Brill, Leiden-Boston 2002, p99
- [۷] ر.ک: محمد هادی معرفت، التاویل فی مختلف المذاهب و الآراء، المجمع العالمی للتقريب المذاهب الاسلاميه، الطبعة الاولى، ۱۴۲۷ق، ص ۱۵۷، نیز همو، حقیقت تاویل قرآن، نشریه پاسدار اسلام، دی ۱۳۷۵،
- [۸] محمد هادی معرفت، التاویل فی مختلف المذاهب و الآراء، ص ۱۵۳.
- [۹] احمد واعظی، درآمدی بر هرمنوتیک، تهران، مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر)، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۳۰-۲۷
- [۱۰] محمد هادی معرفت، التاویل فی مختلف المذاهب و الآراء، ص ۱۵۳
- [۱۱] همان.
- [۱۲] همان.
- [۱۳] احمد واعظی، درآمدی بر هرمنوتیک، ص ۳۳.
- [۱۴] ر.ک: محمد حسین زاده، مبانی معرفت دینی، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۱۳۱ و نیز اکرم نامور، هرمنوتیک فلسفی و قرائت پذیر دین، فصلنامه الهیات و حقوق (ویژه فلسفه و کلام اسلامی)، سال هفتم، تابستان ۱۳۸۶، شماره ۲۴، ص ۱۸۶
- [۱۵] محمد حسین زاده، مبانی معرفت دینی، ص ۱۳۲-۱۳۱
- [۱۶] ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، چاپخانه اسلامی، بی جا، ۱۳۷۳، تهران، مجلد اول، ص ۱۳
- [۱۷] محمد هادی معرفت، علوم قرآنی، چاپ ششم، موسسه فرهنگی تمهید، قم، ۱۳۸۴، ص ۲۳۶
- [۱۸] محمد هادی معرفت، تفسیر و مفسران، چاپ اول، موسسه فرهنگی تمهید، قم، ۱۳۷۹، ص ۱۷
- [۱۹] همان، ص ۱۸ و ۲۳.
- [۲۰] ر.ک: ابو جعفر محمد بن جریر طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ناشر: دار المعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ ق. نیز آیت الله معرفت، تفسیر و مفسران، چاپ اول، موسسه فرهنگی تمهید، قم، ۱۳۷۹، ص ۲۳، نیز محمد مهدی مسعودی، رابطه تاویل، تفسیر و بطن از دیدگاه آیت الله معرفت، نشریه الهیات و حقوق، زمستان ۱۳۸۶، شماره ۲۶، ص ۱۹۴.
- [۲۱] محمد هادی معرفت، تلخیص التمهید، موسسه نشر اسلامی التابعه لجماعه المدرسین، قم، ۱۴۲۶ق، الجزء الاول، ص ۴۸۱
- [۲۲] محمد هادی معرفت، حقیقت تاویل قرآن، نشریه پاسدار اسلام، دی ۱۳۷۵
- [۲۳] محمد هادی معرفت، علوم قرآنی، نیز همو، حقیقت تاویل قرآن، نشریه پاسدار اسلام، دی ۱۳۷۵، نیز همو، تلخیص التمهید، ص ۴۸۱
- [۲۴] محمد هادی معرفت، تفسیر و مفسران، ص ۲۳
- [۲۵] احمد واعظی، درآمدی بر هرمنوتیک، ص ۳۳.
- [۲۶] ر.ک: ریچارد ا. پالم، علم هرمنوتیک (نظریه تاویل در فلسفه های شلایر ماخر، دیلتای، هایدگر و گادامر)، ترجمه: محمد سعید حنایی کاشانی، تهران، انتشارات هرمس، چاپ سوم، ۱۳۸۴، ص ۱۰۸-۱۰۵ و ص ۲۱۷-۲۱۶.
- [۲۷] ر.ک: محمد هادی معرفت، التاویل فی مختلف المذاهب و الآراء، ص ۱۶۱. ایشان شلایر ماخر را زمینه ساز اندیشمندان هرمنوتیکی بعد از او می دانند به خصوص دیلتای و گادامر را که بعد از شلایر ماخر به مباحث هرمنوتیک پرداختند. (ر.ک: همان)
- [۲۸] ر.ک: محمد هادی معرفت، التاویل فی مختلف المذاهب و الآراء، ص ۱۵۹
- [۲۹] محمد حسین زاده، مبانی معرفت دینی، ص ۱۳۲، نیز اکرم نامور، هرمنوتیک فلسفی و قرائت پذیر دین، ص ۱۸۸-۱۸۷.

- [۳۰] ر.ک: محمد هادی معرفت، التاویل فی مختلف المذاهب و الآراء، ص ۱۶۰، پاورقی دوم
- [۳۱] ر.ک: محمد هادی معرفت، التاویل فی مختلف المذاهب و الآراء، ص ۱۶۰
- [۳۲] ر.ک: بابک احمدی، ساختار و تاویل متن، تهران، نشر مرکز، چاپ دوم، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۲۵-۵۲۴.
- [۳۳] علیرضا قائمی نیا، متن از نگاه متن، چاپ اول، انجمن معارف اسلامی ایران، ۱۳۸۰، قم، ص ۱۹ و ۲۰
- [۳۴] مهدی هادوی تهرانی، مبانی کلامی اجتهاد، ص ۱۳۰-۱۲۹.
- [۳۵] ر.ک: محمد هادی معرفت، التاویل فی مختلف المذاهب و الآراء، ص ۱۶۲
- [۳۶] ر.ک: همان
- [۳۷] ر.ک: احمد واعظی، درآمدی بر هرمنوتیک، ص ۱۲۹، نیز اکرم نامور، هرمنوتیک فلسفی و قرائت پذیر دین، ص ۱۹۰
- [۳۸] ر.ک: محمد هادی معرفت، التاویل فی مختلف المذاهب و الآراء، ص ۱۶۷
- [۳۹] ر.ک: همان، ص ۱۶۸
- [۴۰] ر.ک: همان
- [۴۱] ر.ک: محمد هادی معرفت، التاویل فی مختلف المذاهب و الآراء، ص ۱۵۹، پاورقی دوم، ص ۱۶۰، پاورقی اول، ص ۱۶۲، پاورقی اول